

هفتمین همایش ملی بنیاد علمی قانون یار

همایش پژوهش های علمی علوم اسلامی و انسانی در عصر نوین

بنیاد علمی قانون یار - آموزش و پرورش استان کرمانشاه - واحد پژوهش سپاه پاسداران (با همکاری و حمایت معنوی دانشگاه رازی، دانشگاه آزاد، دانشگاه فرهنگیان، دانشگاه پیام نور کرمانشاه، دانشگاه علمی و کاربردی، جهاد دانشگاهی واحد کرمانشاه، دانشگاه صنعتی کرمانشاه، بنیاد شهید و سازمان ارشاد و ...

سرمدبیر علمی و مسئول برگزاری همایش: دکتر بهنام اسدی (نماینده مقالات در پایگاه های ملی و بین المللی)
تاریخ برگزاری همایش: ۸ اسفندماه ۱۴۰۳ شماره مقاله: ۲۸۹/۹۱۸۸ رده بندی کنفرانس: ب ۶-۵۰۶/۷۰

بررسی و ریشه یابی سقوط بشار اسد در نظام سیاسی سوریه

و آثار آن بر جنبش مقاومت

خسرو آرام^۱

دکتری اندیشه سیاسی و مدرس مدعو دانشگاه فرهنگیان

مصطفی الماسی

استادیار گروه علوم سیاسی، دانشگاه پیام نور، تهران

چکیده

این مقاله با مطالعه اسنادی و روش کیفی داده ها و با روش توصیفی- تحلیلی و مبتنی بر چارچوب نظری (بحران مشروعیت) تلاش دارد که سقوط بشار اسد در نظام سیاسی سوریه و آثار آن بر جنبش مقاومت ریشه یابی و مورد بررسی قرار دهد. پرسش مقاله حاضر آن است که: از منظر علت شناسی سقوط و فروپاشی حکومت بشار اسد در نظام سیاسی سوریه معلول چه شرایطی است و سقوط آن چه آثاری بر جنبش مقاومت خواهد داشت؟ تحلیل داده ها و یافته های تحقیق نشان داد که: فروپاشی و سقوط بشار اسد در نظام سیاسی سوریه معلول شرایطی چون: نظام تک حزبی، اقتدار گرایی و شخصی بودن قدرت، فرسودگی حکومت و عدم گردش نخبگان، دموکراسی ظاهری و سرکوب سیاسی، خروج روسیه از سوریه، فاصله گیری از جمهوری اسلامی ایران و نزدیکی به کشور های خلیج فارس، مداخله ترکیه در حمایت از تحریر الشام در تصرف دمشق بوده است. سقوط بشار اسد از آنجائیکه عمود خیمه جنبش مقاومت در هندسه ژئوپلیتیک غرب آسیا بوده در ابتدا موجب تضعیف جریان مقاومت و سپس به جهت تمایل ایران به معادلات سوریه سبب احیای تقویت جنبش مقاومت خواهد شد.

واژگان کلیدی: بشار اسد، بحران مشروعیت، تک حزبی، اقتدار گرایی، سرکوب سیاسی، ترکیه

^۱ نویسنده مسئول



(۱) مقدمه

بشار اسد نوزدهمین رئیس‌جمهور سوریه بود که از ۱۷ ژوئیه ۲۰۰۰ میلادی تا ۸ دسامبر ۲۰۲۴ به مدت ۲۴ سال بر سوریه حکومت کرد. او همچنین فرمانده کل قوای نیروهای مسلح سوریه و دبیرکل حزب بعث سوریه بود. پدرش، حافظ اسد، پیش از وی از سال ۱۹۷۱ تا پایان عمر در سال ۲۰۰۰، بر سوریه حکومت کرد و طی این دوره، سوریه را از یک جمهوری سکولار به یک دیکتاتوری خانوادگی تبدیل کرد. بشار اسد در سال ۱۹۸۸ از دانشکده پزشکی دانشگاه دمشق فارغ‌التحصیل شد و پس از آن به عنوان پزشک در ارتش سوریه شروع به کار کرد. چهار سال بعد، او به لندن رفت و در رشته چشم‌پزشکی به تحصیلات تکمیلی پرداخت. در سال ۱۹۹۴، پس از آن که برادر بزرگترش باسل در یک سانحه رانندگی جان باخت، بشار به سوریه فراخوانده شد تا نقش باسل را به عنوان وارث بلافاصله پدرش بر عهده بگیرد. در دوره‌ای کوتاه پس از شروع زمام‌داری بشار، اصلاحات فرهنگی و سیاسی در آن کشور انجام گرفت که به بهار دمشق معروف شد. برنامه‌های اولیه اصلاحات اقتصادی دولت او به جای کاهش نابرابری‌ها، آن‌ها را تشدید کرد و قدرت اجتماعی و سیاسی را بیشتر در دست نخبگان وفادار به خانواده اسد متمرکز کرد. این سیاست‌ها باعث شد تا بخش‌های بزرگی از جمعیت سوریه، از جمله ساکنان مناطق روستایی، طبقات کارگر شهری، تاجران، صنعتگران و افرادی که قبلاً از حامیان سنتی حزب بعث سوریه بودند، از رژیم اسد دور شوند. در فوریه ۲۰۰۵، انقلاب سدر در لبنان که به دنبال ترور رفیق حریری، نخست‌وزیر لبنان، آغاز شد، بشار اسد را مجبور کرد به اشغال نظامی سوریه در لبنان پایان دهد. دهه اول حکومت اسد با سانسور شدید مطبوعات، اعدام‌های صحرایی، ناپدید شدن‌های قهری، تبعیض علیه اقلیت‌های قومی، و سرکوب گسترده توسط سرویس‌های امنیتی سوریه همراه بود. در مارس ۲۰۱۱، پس از آن که حکومت بشار اقدام به سرکوب خشونت‌بار تظاهرات گروهی از کودکان در شهر درعا را کرد، جرقه اعتراضات موسوم به بهار عربی در سوریه زده شد، که به انقلاب سوریه و سپس جنگ داخلی سوریه منجر شد. این جنگ تاکنون حدود ۵۸۰/۰۰۰ کشته بر جای گذاشته که اغلب آن‌ها غیرنظامی بوده‌اند. محققان و تحلیل‌گران، ریاست‌جمهوری اسد را یک دیکتاتوری بسیار شخصیت‌گرا توصیف می‌کنند، که به شکل حکومت پلیسی تمامیت‌خواه بر سوریه حکومت می‌کند و مشخصه آن، نقض حقوق بشر و سرکوب شدید است. در حالی که دولت اسد خود را سکولار توصیف می‌کند، اندیشمندان و ناظران مختلف سیاسی بر این باورند که



با توجه به جدید بودن موضوع تا کنون پژوهشی از سوی پژوهشگران مطالعات منطقه ای و روابط بین الملل صورت نگرفته است. بسیاری از پژوهش های انجام گرفته بیشتر رویکرد خبری- تحلیلی و ژورنالیستی دارد و از منطق پژوهش علمی خالی است. لذا دغدغه و هدف اصلی مقاله حاضر آن است که با بهره گیری از چارچوب نظری «بحران مشروعیت» سقوط بشار اسد در نظام سیاسی سوریه و آثار آن بر جنبش مقاومت را ریشه یابی و مورد ارزیابی قرار دهد. بنابراین و با توجه به جدید بودن موضوع می توان ادعا نمود که یافته های پژوهش می تواند تا حدودی خلاء در ادبیات موجود و پیشینه تحقیق را مرتفع سازد و مبنا و منبعی قابل اتقان و معتبر برای پژوهش هایی آتی گردد. با عنایت به موضوع، پرسش اصلی پژوهش حاضر این است که: از منظر علت شناسی سقوط و فروپاشی حکومت بشار اسد در



نظام سیاسی سوریه معلول چه شرایطی است و سقوط آن چه آثاری بر جنبش مقاومت خواهد داشت؟ فرضیه ای که در پاسخ به پرسش‌ها مورد سنجش و آزمون قرار می‌گیرد، بر اساس متغیرهای مستقل و وابسته تنظیم شده است. در این پژوهش و با عنایت به موضوع، بحران مشروعیت متغیر مستقل یا تبیین کننده و سقوط و فروپاشی بشار اسد و آینده جنبش مقاومت متغیر وابسته و تبیین شونده محسوب می‌شوند. بر اساس متغیرهای مستقل و وابسته فرضیه اصلی رساله حاضر را می‌توان در قالب گزاره‌ی ذیل تبیین نمود و آن اینکه: فروپاشی و سقوط بشار اسد در نظام سیاسی سوریه معلول شرایطی چون: نظام تک حزبی، اقتدار گرایی و شخصی بودن قدرت، فرسودگی حکومت و عدم گردش نخبگان، دموکراسی ظاهری و سرکوب سیاسی، خروج روسیه از سوریه، فاصله گیری از جمهوری اسلامی ایران و نزدیکی به کشور های خلیج فارس، مداخله ترکیه در حمایت از تحریر الشام در تصرف دمشق بوده است. سقوط بشار اسد از آنجائیکه عمود خیمه جنبش مقاومت در هندسه ژئوپلیتیک غرب آسیا بوده در ابتدا موجب تضعیف جریان مقاومت و سپس به جهت تمایل ایران به معادلات سوریه سبب احیاء تقویت جنبش مقاومت خواهد شد. روش گرد آوری داده‌ها اسنادی، تحلیل داده‌ها کیفی و ماهیت پژوهش حاضر تبیینی و توصیفی- تحلیلی می‌باشد. در مقاله حاضر از الگوی نظری «بحران مشروعیت» بهره گرفته شده است.

۲) روش تحقیق

نوع پژوهش بر اساس هدف: بنیادی- کاربردی است. از حیث نتیجه گیری: کاربردی- توسعه ای، از جهت رویکرد انتخاب: عقلایی، و از منظر تحلیل داده‌ها: کیفی و به لحاظ ماهیت پژوهش، تبیینی (تعلیلی)، توصیفی- تحلیلی می‌باشد. روش گرد آوری داده‌ها و اطلاعات، اسنادی است که از طریق مراجعه به کتابخانه و آرشیو مقالات و همچنین جستجو در شبکه‌های الکترونیکی و اینترنتی انجام شده است.

۳) بحران مشروعیت: چارچوبی تئوریک برای فهم الگوی نظری تحقیق

چارچوب نظری مقاله حاضر را می‌توان بر اساس الگوی نظری «بحران مشروعیت» تبیین نمود. چنین الگوها و رهیافت‌هایی توسط یورگن هابرماس جامعه‌شناس و فیلسوف آلمانی از اعضای مکتب

کارآمدی به معنای تحقق عینی یا توان سیستم در تحقق کارکردهای اساسی یک حکومت است، به گونه‌ای که اکثریت مردم و گروه‌های قدرتمند درون نظام تحقق آن را بعینه مشاهده کنند. به تعبیر دیگر می‌توان گفت کارآمدی یعنی پاسخ‌گویی مستمر و بلندمدت به نیازهای مردم که در دوران مدرن مهم‌ترین شاخص آن توسعه پایدار اقتصادی است. لیپست با برقراری ارتباط میان مقبولیت و کارآمدی معتقد است کشورهایی که از حیث مقبولیت و کارآمدی در سطح بالایی قرار دارند از ثبات بالایی برخوردارند و بر عکس رژیم‌های نامقبول و ناکارآمد بی‌ثبات بوده و در معرض سقوط قرار می‌گیرند، مگر آن‌که با عامل زور و سلطه بتوانند حکومت خود را حفظ کنند. (لیپست، ۱۳۸۳: ۱۲۵)



بحران مشروعیت به کاهش اعتماد کارکردهای اداری، نهادها یا رهبری یک حکومت اشاره دارد. هابرماس مفهوم «بحران مشروعیت» را بسط داد و مدعی شد که با یک بحران مشروعیت، یک مؤسسه یا سازمان یا حاکمیت توانایی اداره ساختارهای مؤثر در دستیابی به اهداف نهایی خود را ندارد. افزون بر هابرماس این اصطلاح توسط سایر محققان به هم قلمرو سیاسی و همین‌طور ساختارهای سازمانی و نهادی یا تجاری نیز تعمیم داده شده است. در حالی که در میان دانشمندان علوم اجتماعی هنگام ادعای وجود بحران مشروعیت اتفاق نظر وجود ندارد، روش غالب برای اندازه‌گیری بحران مشروعیت، در نظر گرفتن نگرش عمومی نسبت به سازمان یا حاکمیت مورد بحث است. (هابرماس، ۱۹۷۳: ۱۲۵)

طبق نگاه هابرماس «بحران مشروعیت» مولود و نتیجه عدم موازنه و کار آمدی و همچنین عدم پاسخگویی یک نظام سیاسی در ظرفیت‌ها و کارویژه‌های سمبلیک، استخراجی، الزامی و توزیعی است. ظرفیت سمبلیک یک نظام سیاسی شامل ارزش‌ها، اعتقادات، آداب و رسوم و تأکید همه جانبه و همگانی بر سازگاری ارزش‌ها با فطرت آدمی و قانون اساسی می‌باشد. این ظرفیت می‌تواند مردم یک جامعه را به تبعیت از قانون، ایثارگری در مقابل مشکلات و داشتن رابطه عقلایی با حکومت تشویق و ترغیب کند. دومین نوع ظرفیت، ظرفیت استخراجی است که ناظر بر کمیت و کیفیت منابع مورد نیاز و استفاده نظام سیاسی و جامعه است. ظرفیت الزامی به معنای به کارگیری کنترل از سوی نظام سیاسی بر رفتار و کردار مردم تعریف شده و از جمله بر پرداخت مالیات به دولت و خدمت نظام تأکید می‌ورزد و بالاخره چهارمین ظرفیت نظام سیاسی، ظرفیت توزیعی است که ناظر بر کیفیت و کمیت منابع مادی، خدماتی و چگونگی تقسیم آنها بین افراد و یا گروه‌های جامعه است. (هابرماس، ۱۹۷۳: ۱۳۹) از منظر جامعه‌شناسی سیاسی و طبق نگاه هابرماس ویژگی‌هایی چون: نظام تک حزبی، اقتدارگرایی و شخصی بودن قدرت، فرسودگی حکومت و عدم گردش نخبگان، دموکراسی ظاهری و سرکوب سیاسی و مداخلات سیاسی از سوی بازیگران مقوم بحران مشروعیت برای یک نظام سیاسی می‌شوند. (هابرماس، ۱۹۷۳: ۱۵۸)

(۴-۱) دلایل فروپاشی و سقوط بشار اسد در راستای نظام تک حزبی

بلیدس در تحقیقی که پیرامون نظام های حزبی خاورمیانه انجام داده است، نظام سیاسی خاندان اسد به ویژه بشار اسد که خاستگاه حزبی او حزب «بعث» می باشد، در زمره نظام های سیاسی تک حزبی با رقابت محدود طبقه بندی کرده است. در زمان بشار اسد قدرت شخصی مانند دوران پدرش حافظ اسد از کنال حزب قدرتمندی چون حزب بعث حاکم اعمال می شد. حزبی که تقریباً نمی شد آن را از ارگان های دولت تمایز داد و با نهاد دولت کاملاً در هم آمیخته بود. حزب بعث در سوریه از مزایا و امتیازات بالایی بهره مند بود به گونه ای که برای در قدرت ماندن نیازی نبود که تنها حزب قانونی کشور باشد. به این ترتیب با توجه به حاکمیت بلا منازع حزب بعث در سوریه، موانع جدی برای مشارکت احزاب واقعی در این کشور وجود داشت. (۲۲۶: ۲۰۱۱، Blaydes)

سرکوب ناراضیان مانند گروه های اخوان المسلمین و سیاست آزار و ایدای اکراد، فقدان آزادی بیان و مطبوعات، شکنجه مخالفان در زندان صیدانایا، کنترل گسترده دولت بر رسانه های ارتباطی مانند: اینترنت، تعرض به حقوق فردی و اجتماعی مردم و خشونت از مهمترین ویژگی های سیاست دوران بشار اسد در سوریه بود. همچنین از آنجائیکه حزب بعث بدون رقیب بود، این وضعیت موجب رشد اقتدار گرایی در طول دوران حکومت بشار اسد بود به گونه ای که بسیاری دیکتاتوری بشار اسد را شدید تر پدر



او حافظ اسد می دانند. قدرت شخصی بشار اسد ویژگی دیگر حکومت او بود و او همه تصمیمات به عزم و اراده او اخذ می شد. به همین خاطر بود که حکومت بشار اسد با هیچ محدودیتی مواجه نبود. (Alexander, ۲۰۱۰: ۳۶)

۳-۴) دلایل فروپاشی و سقوط بشار اسد در راستای فرسودگی حکومت و عدم گردش نخبگان

یکی از مهم ترین ویژگی های حکومت بشار اسد در نظام سیاسی سوریه که موجب نارضایتی مردم شد، فرسودگی حکومت و عدم گردش نخبگان بود. به واقع بیش از ۵ دهه حکومت بلا منازع خاندان اسد بر کشور سوریه باعث شده بود که اکثر مردم کنش و الگوهای رفتاری خاندان اسد به ویژه بشار اسد را مسئول رنج ها و مشکلات خود تلقی کنند. بسیاری از نویسندگان اعم از نویسندگان معروف روزنامه های اپوزیسیون یا نویسندگان ناشناس مجلات دانشگاهی کشور، بشار اسد را علت عقب ماندگی و فساد کشور تلقی می کردند. قدرت در دست بشار اسد و شیوه اعمال قدرت آمرانه و عمودی بود. با توجه به بافت موزائیکی جمعیت، سایر گروه ها به جز الیگارهای نزدیک قدرت نقش در تصمیم گیری نداشتند. بشار اسد به جهت تحصیلاتش در انگلیس و محل تولدش اسما در بیشتر موارد لندن و در برخی از کشور های اروپایی به سر می کرد. مساهمت و توجه اسد به کارآمدی به نظام سیاسی نبود و ترجیح او قوام و تحکیم قدرت خود و خاندانش و الیگارهای نزدیکش بود. (Osman, ۲۰۱۰: ۱۸۶-۱۸۷)

۴-۴) دلایل فروپاشی و سقوط بشار اسد در راستای دموکراسی ظاهری و سرکوب سیاسی

وجود نوعی انتخاباتی غیر رقابتی، محیط سیاسی تک حزبی و وجود مجلس و نوعی آزادی بیان نسبی در سوریه این امکان را برای رژیم بشار اسد در نظام سیاسی سوریه فراهم می کرد که ادعای پیشرفت و توسعه سیاسی کرده و میزانی از خشم توده ها و افکار عمومی را تسکین بخشد. با این حال دموکراسی ظاهری و نمایشی جاری در نظام سیاسی سوریه هیچ تهدیدی برای رژیم بشار اسد نبود. در واقع ماهیت رقابتی انتخابات در سوریه پیش از آنکه محصول فرآیند دموکراتیک سازی باشد، یک استراتژی برای حفظ رژیم بشار اسد بود و نظام سیاسی سوریه در دوران بشار اسد را می توان دموکراسی صوری و کنترل



شده تلقی کرد و اقتدار گرایی در این دوران کاملاً تداوم یافت. به گونه ای که حکومت بشار اسد هر گونه چالش بالقوه را به شدت سرکوب می کرد، سرکوب نا آرامی های عمومی، کنترل شدید بر سازمان های مدنی و دانشگاهی، برخورد خشن و سرکوب گرایانه با جنبش های مدنی و دموکراسی خواه و همچنین باز داشت گسترده اخوان المسلمین و شکنجه در زندان صیدنایا و نقض حقوق بشر تنها بخشی از اقدامات سرکوب گرانه حکومت بشار اسد بود. گذشته از اینها، جریاناتی که امکان فعالیت در انتخابات را پیدا می کردند نیز با مشکلات زیادی مواجه بودند و عملاً حزب بعث به روش های مختلف پیروزی در انتخابات را به دست می آورد. از جمله در مواقعی نیرو های امنیتی جلوی ورود رای دهندگان اپوزیسیون به محل اخذ رای را گرفتند و در موارد دیگر تغییر در شمارش آرا و پر کردن صندوق ها از رای اتفاق افتاد. به این ترتیب حکومت بشار اسد در نظام سیاسی سوریه را یک رژیم اقتدار گرا محسوب می شود که برخی از اشکال انتخابات رقابتی را تحمل می کرد. به واقع حکومت بشار اسد را باید در زمره رژیم های مبتنی بر هژمونی حزبی همراه با برخی اشکال انتخابات رقابتی قرار داد. در این رژیم ها اگر چه درجه ای از رقابت تحمل می شود، احزاب سیاسی مختلفی مشغول فعالیت هستند و میزانی از آزادی بیان به چشم می خورد اما عملاً یک حزب موقعیت هژمونی را به دست می گیرد. (Blayed, ۲۰۱۱: ۲۳۹)

۴-۵) دلایل فروپاشی و سقوط بشار اسد در راستای خروج روسیه از سوریه

با شروع و تسری امواج تحولات بهار عرب به سوریه، پای روسیه به سوریه باز شد. البته ورود روسیه به سوریه منحصر به تحولات بهار عرب نبود. روسیه از سال ۱۹۷۰ به واسطه داشتن پایگاه دریایی در شهر بندری طرطوس در جنوبی غرب در این سوریه حضور داشت تا بتواند از بندر طرطوس از طرق سواحل مدیترانه به آب های جهان دسترسی داشته باشد. به واقع ورود سوریه برای حفظ اسد بود و روسیه در جبهه هوایی توانست در کنار اسد موجب بقای بشار اسد از مخاطرات تحولات بهار عرب گردد. دلیل اصلی حضور سوریه علاوه بر کمک به بقای اسد رقابت با آمریکا برای حضور در خاورمیانه نیز بود. در طول جنگ سوریه، روسیه در صحنه های بسیاری از دولت بشار اسد حمایت نظامی و دیپلماتیک کرد و به این منظور یک فرودگاه و پایگاه هوایی در حمیمیم ایجاد کرد و پایگاه دریایی خود را در طرطوس گسترش داد. اما با قدرت یابی تحریر الشام و هنگامیکه معارضان مسلح در سوریه صبح یکشنبه ۱۸ آذر ۱۴۰۳ کنترل دمشق را به دست گرفتند و پس از آن فرماندهی ارتش سوریه نیز در بیانیهای، سقوط



حکومت بشار اسد را اعلام کرد. از زمان سقوط بشار اسد، دولت روسیه تاسیسات و تجهیزات خود را از سوریه خارج کرده که این امر موجب انتشار تحلیل‌های ضد و نقیض از سوی رسانه‌های غربی شده است. به طور کلی بر این موضوع توافق دارند که از دست دادن سوریه از نظر مادی برای روسیه اهمیت چندانی نخواهد داشت. کرملین می‌خواهد جایگاه خود را در سرتاسر دریای مدیترانه و آفریقا حفظ کند که طی یک دهه گذشته ایجاد شده است. اما به نظر می‌رسد که خروج روسیه از سوریه به معنای پایان حضور روسیه در سوریه نیست. به واقع، مسکو به دمشق به دنبال بازکردن جای پا با هدف حفظ توازن سیاسی و امنیتی در قبال ترکیه و ایالات متحده است. ابو محمد جولانی نیز به دنبال ترسیم مناسبات سیاسی، اقتصادی، امنیتی، تجاری و اقتصادی بین سوریه جدید با روسیه می‌باشد. از سوی دیگر اردوغان به عنوان نقش اصلی در ساقط کردن بشار اگر بخواهد با نگاهی راهبردی، دولت مستقر در دمشق را به عنوان یک بازیگر پذیرفته‌شده در میان کشورهای بلوک شرق معرفی کند، باید به ترسیم روابط دمشق و کرملین چشم داشته باشد. ضمن آنکه معادلات پشت پرده واشنگتن - آنکارا تمام مناسبات نظامی، امنیتی و دفاعی سوریه جدید را تعریف خواهد کرد. (فتح الهی، ۱۴۰۳: ۱)

۶-۴) دلایل فروپاشی و سقوط بشار اسد در راستای فاصله‌گیری از جمهوری اسلامی ایران و نزدیکی به کشورهای خلیج فارس

جمهوری اسلامی ایران، یک قدرت منطقه‌ای مهم در خاورمیانه است که نفوذ آن در میان شیعیان منطقه و دیگر گروه‌ها، این وضعیت را بسیار تقویت کرده است. در این میان، روابطی که ایران با سوریه دارد، روابط راهبردی است که از جمله دلایل آن، وجود حکومت علوی در سوریه، یاری به ایران در جنگ تحمیلی، قرار داشتن سوریه در صف اول مقاومت علیه رژیم اسرائیل و وجود خط پشتیبانی ایران از حزب الله لبنان در سوریه است که موجب شده ایران به هر نوع بحرانی در این کشور واکنش نشان دهد. بحران اخیر در سوریه در سال ۲۰۱۱ آغاز شد که طی آن اعتراضات مردم شهروندان حمص، با وارد کردن تروریست‌های تکفیری توسط کشورهای خارجی به این کشور، به جنگ داخلی بدل شد و به این ترتیب، جمهوری اسلامی ایران برای حمایت از دولت سوریه، وارد این بحران گردید که حمایتی همه‌جانبه و به ویژه مستشاری بود. به واقع جمهوری اسلامی ایران با در اختیار گرفتن جبهه زمینی سبب بقای اسد در نظام سیاسی سوریه گردید. (جهانبخش، ۱۳۹۸: ۱) به رغم حضور ۲۳ ساله جمهوری اسلامی

(۷-۴) مداخله ترکیه در حمایت از تحریر الشام

در این مرحله، ترکیه به‌طور گسترده از گروه‌های مخالف میانه‌رو و ارتش آزاد سوریه (FSA) حمایت کرد. این حمایت شامل تأمین تسلیحات، آموزش‌های نظامی و فراهم کردن پناهگاه‌های امن در مرزهای ترکیه بود. با وجود اینکه ترکیه توانست حضور خود را در بین گروه‌های مخالف تثبیت کند، اما وضعیت پیچیده‌تر از آن شد که در ابتدا تصور می‌شد. ایران و روسیه به‌طور فعال از حکومت بشار اسد حمایت کردند و این باعث شد که ترکیه مجبور به تجدید نظر در استراتژی‌های خود شود. یکی از مهم‌ترین ابعاد دخالت ترکیه در بحران سوریه، اقدامات نظامی این کشور در شمال سوریه و تقابل آن با نیروهای کردی بوده است. ترکیه، که امنیت خود را با تهدیدات موجود در مرزهای جنوبی‌اش مرتبط می‌داند، همواره نسبت به حضور گروه‌های کرد سوریه، به‌ویژه گروه‌های وابسته به حزب کارگران کردستان (PKK) حساسیت زیادی داشته است. در این راستا، ترکیه به‌طور مداوم عملیات‌های نظامی را در مناطق مرزی سوریه آغاز کرده است. ترکیه معتقد است که گروه‌های کرد سوریه مانند یگان‌های مدافع خلق (YPG) و وحدت نیروهای کرد سوریه (PYD) از نظر ایدئولوژیک به (PKK) وابسته‌اند. با توجه به این که کردها در شمال سوریه به‌ویژه در مناطقی مانند عفرین، منبج و شمال الحسکه نفوذ داشتند، ترکیه به‌طور مداوم



احساس تهدید می‌کرد. ترکیه به‌ویژه نگران این بود که قدرت گرفتن کردها در شمال سوریه به شکل‌گیری یک کریدور کردی از شمال عراق به شمال سوریه و حتی به جنوب ترکیه منجر شود. ترکیه بر این باور بود که این کریدور می‌تواند به‌طور بالقوه به ایجاد یک دولت مستقل کردی در آینده کمک کند که برای امنیت ملی ترکیه خطرناک است. اولین عملیات مهم ترکیه در سوریه پس از آغاز بحران در سال ۲۰۱۱، عملیات «سپر فرات» بود که در اوت ۲۰۱۶ آغاز شد. هدف اصلی این عملیات، شکست داعش در منطقه شمال سوریه و جلوگیری از گسترش نفوذ نیروهای کردی بود. ترکیه قصد داشت تا با ایجاد یک منطقه امن در مرزهای جنوبی خود، حضور کردها در این مناطق را محدود کند و در عین حال داعش را از مناطقی که به‌طور سنتی تحت کنترل این گروه تروریستی بود، بیرون کند. در این عملیات، ترکیه از نیروهای ارتش آزاد سوریه و سایر گروه‌های مخالف بشار اسد نیز حمایت کرد. این عملیات موجب ایجاد تغییرات عمده در جغرافیای منطقه شد، اما در عین حال موجب تنش‌های زیادی با کردها و متحدان آن‌ها، از جمله ایالات متحده شد. ترکیه و ایالات متحده هرچند در مبارزه با داعش هم‌نظر بودند، اما ترکیه از حضور کردها در مبارزه علیه داعش ناراضی بود و این اختلاف‌ها باعث افزایش تنش‌ها شد. یکی از بزرگ‌ترین عملیات‌های ترکیه در شمال سوریه، عملیات «شاخه زیتون» بود که در ژانویه ۲۰۱۸ آغاز شد. هدف این عملیات، بازپس‌گیری منطقه عفرین از دست نیروهای کرد یگان‌های مدافع خلق (YPG) بود. ترکیه می‌خواست از ایجاد یک کریدور کردی در مرزهای خود جلوگیری و همچنین موقعیت خود را در شمال سوریه مستحکم‌تر کند. این عملیات که یکی از خونین‌ترین عملیات‌های نظامی ترکیه در سوریه بود، با حمایت شدید نیروهای ارتش آزاد سوریه انجام شد. در این عملیات، ترکیه موفق شد تا عفرین را از دست کردها بیرون آورد، اما این پیروزی به قیمت تلفات سنگین و افزایش فشارهای بین‌المللی بر ترکیه تمام شد. بسیاری از ناظران بین‌المللی به‌ویژه کشورهای غربی، اقدام ترکیه در حمله به عفرین را نقض حقوق بشر دانسته و اعتراضات زیادی را برانگیختند. عملیات «چشمه صلح» در اکتبر ۲۰۱۹ آغاز شد و هدف آن، از بین بردن تهدیدات نیروهای کردی در شرق رودخانه فرات و ایجاد یک منطقه امن برای بازگشت پناهندگان سوری به داخل کشور بود. این عملیات، یکی از بزرگ‌ترین و جنجالی‌ترین اقدامات ترکیه در سوریه بود که در آن، ارتش ترکیه به‌ویژه در مناطق منبج و تل ابیض وارد عملیات‌های نظامی شد. در این عملیات، ترکیه به‌طور خاص یگان‌های مدافع خلق (YPG) را هدف قرار داد که آن‌ها را بخش عمده‌ای از نیروی سوریه دموکراتیک (SDF) می‌دانست. این گروه به‌ویژه از حمایت آمریکا در



جنگ علیه داعش برخوردار بود. اما ترکیه معتقد بود که این گروه‌ها تهدیدی برای امنیت ملی این کشور هستند و باید از مرزهای جنوبی ترکیه بیرون رانده شوند. عملیات چشمه صلح با انتقاد شدید جامعه بین‌المللی مواجه شد. ایالات متحده آمریکا پس از تصمیم ترکیه به آغاز عملیات، نیروهای خود را از شمال سوریه خارج کرد که این اقدام باعث تغییرات عمده در تحولات منطقه‌ای و افزایش تنش‌ها در روابط ترکیه و ایالات متحده شد. اقدامات نظامی ترکیه در شمال سوریه به‌ویژه در مقابله با نیروهای کردی، پیامدهای زیادی چون: تضعیف گروه‌های کرد، تنش‌های دیپلماتیک، ایجاد نارضایتی در جامعه بین‌المللی، کنترل بیشتر بر مناطق شمالی سوریه، برای تحولات سوریه و روابط ترکیه با کشورهای دیگر داشته است. به همراه این تحولات، تغییر در کابینه اردوغان و راهیابی دو عنصر کلیدی یعنی «هاکان فیدان» و «ابراهیم کالین» زمینه برای سقوط بشار اسد با حمایت از گروه تحریر الشام سرعت بیشتری گرفت. در کنار این، ترکیه توانست با همراهی دیگر بازیگران بین‌المللی نقش مهمی در پایان دادن به دوران حکومت اسد ایفا کند. سقوط حکومت بشار اسد چشم‌پزشکی که می‌خواست اصلاحات را در سوریه اجرا کند، نقطه عطفی در بحران سوریه و در سیاست‌های منطقه‌ای ترکیه است. ترکیه با استفاده از ابزارهای مختلف نظامی، دیپلماتیک و اقتصادی توانست نقشی کلیدی در این تحولات ایفا کند. (یگانگی، ۱۴۰۳: ۱)

۵) پیامدهای سقوط بشار اسد بر جنبش مقاومت

از نظر سرزمینی، سقوط اسد به زیان جنبش مقاومت و جمهوری اسلامی ایران تفسیر می‌شود. چون جمهوری اسلامی ایران در کنار تضعیف حماس و حزب الله بشار اسد و گروه نیابتی زنبیون را به عنوان بزوان نیابتی در هندسه ژئوپلیتیکی غرب آسیا از دست داده است. به این ترتیب می‌توان گفت که سقوط اسد ضربه‌ای جدی به نفوذ جمهوری اسلامی در منطقه وارد کرده است. سوریه تحت حاکمیت اسد، حلقه‌ای کلیدی در محور مقاومت ایران بود که شامل حزب الله لبنان، حوثی‌های یمن و گروه‌های شبه‌نظامی در عراق می‌شود. با تضعیف این محور، ایران با چالشی جدی روبه‌رو است. اکنون تهران باید تصمیم بگیرد که آیا به برنامه هسته‌ای خود شتاب بخشد یا به دنبال توافقی با دولت جدید آمریکا برود. با توجه به مواضع آیت الله خامنه‌ای رهبری معظم جمهوری اسلامی ایران به تدریج زیان حاصل از سقوط



اسد به فرصت تبدیل خواهد شد. این وضعیت موجب اعتماد به نفس و توانمندی جبهه مقاومت و به تریح موجب تقویت جایگاه منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران در غرب خواهد شد. (اشرفی، ۱۴۰۳: ۱)

نتیجه‌گیری

در این مقاله با مطالعه اسنادی و روش کیفی داده‌ها و با روش توصیفی-تحلیلی و مبتنی بر چارچوب نظری (بحران مشروعیت) سقوط و فروپاشی حکومت بشار اسد و آثار آن بر جنبش مقاومت مورد بررسی قرار گرفت. در این مقاله سنجش فرضیه به واسطه داده‌هایی چون نظام تک حزبی، اقتدارگرایی و شخصی بودن قدرت، فرسودگی حکومت و عدم گردش نخبگان، دموکراسی ظاهری و سرکوب سیاسی، خروج روسیه از سوریه، فاصله‌گیری از جمهوری اسلامی ایران و نزدیکی به کشورهای خلیج فارس، مداخله ترکیه در حمایت از تحریر الشام و آینده‌نگری از جنبش مقاومت با هدف پاسخ به پرسش تحقیق مورد تحلیل قرار گرفت. به عنوان نتیجه‌گیری کلی این نکته در خور توجه است که: سقوط رژیم اسد اگرچه پایان یک دوره طولانی استبداد را رقم می‌زند، اما آینده‌ای نامشخص را برای سوریه و منطقه به همراه دارد. گروه‌های شورشی ممکن است به رقابت برای قدرت بپردازند و این امر می‌تواند منجر به افزایش خشونت و بی‌ثباتی شود. این در شرایطی است که ناظران می‌گویند جامعه بین‌المللی با ایفای نقشی فعال‌تر، می‌تواند از فروپاشی کامل کشور جلوگیری کرده و زمینه را برای انتقال قدرتی مسالمت‌آمیز فراهم آورد. در این ارتباط جنبش مقاومت و تقویت نقش راهبردی جمهوری اسلامی ایران می‌تواند به ثبات در منطقه کمک کند.



منابع و مآخذ

الف) منابع فارسی

- ۱) ابوالحمد، عبدالحمید (۱۳۵۳) مبانی سیاست، تهران: توس.
- ۲) اشرفی، اکبر (۱۴۰۳)/ایران و پیامدهای سقوط اسد، تهران: سامانه خبری - تحلیلی دیپلماسی ایرانی.
- ۳) جهانبخش، مرادی (۱۳۹۸) بررسی علل حضور مستشاری جمهوری اسلامی ایران در سوریه، فصلنامه مطالعات بین المللی، سال شانزدهم، شماره سوم.
- ۴) خوش چهره، جلال (۱۴۰۳) دلایل سقوط بشار اسد در سوریه، تهران: سامانه خبری - تحلیلی دیپلماسی ایرانی.
- ۵) دوگان، ماتیّه (۱۳۷۴) سنجش مفهوم مشروعیت و اعتماد، ترجمه عبدالحسین نیک گهر، تهران: نشر فرهنگ.
- ۶) فتح الهی، رحمان (۱۴۰۳) خروج روسیه از سوریه و آینده پژوهشی از نقش سوریه در سوریه، تهران: سامانه خبری - تحلیلی دیپلماسی ایرانی.
- ۷) لیپست، سیمور مارتین (۱۳۸۳) دایرةالمعارف دموکراسی، ترجمه کامران مفانی، تهران: کتابخانه تخصصی وزارت امور خارجه.
- ۸) هابرماس، یورگن (۱۹۷۳) بحران مشروعیت: تئوری دولت سرمایه داری مدرن، ترجمه جهانگیر معینی علمداری، تهران: انتشارات گام نو.
- ۹) یگانگی، سید کامران (۱۴۰۳) ترکیه و پایان حکومت بشار اسد، تهران: سامانه خبری - تحلیلی دیپلماسی ایرانی.



(ب) منابع انگلیسی

۱) Alexander, Christopher (۲۰۱۱) *soriya: stability and Reform in the Modern Maghreb*, Routledge.

۲) Blaydes, Lisa (۲۰۱۱) *Elections and Distributive Politics in Mubarak's Egypt, Tunisia and soriya*, Cambridge University Press.

۳) Osman, Tarek (۲۰۱۰) *Soriya on the Brink From Nasser to Mubarak* Yale, University Press.

برگزاری جشن اختتامی به خیریت و صلاحیت

اکانت اینستاگرام و ایمیل رسمی همایش جهت ارسال مقاله
Ghanonyar@YAHOO.COM
۰۹۱۰۰۶۳۶۰۰۲

دانشگاه رازی - سالن همایش دانشکده علوم اجتماعی

۱۴۰۳/۱۲/۰۸

مهره‌ای که بر سر است
 نجات پوششش خبری صدا و سیما

جهت همکاری در برگزاری همایش با دبیر اجرایی تماس بگیرید:
خانم دکتر شهلا رضایی ۰۹۱۹۶۷۴۸۶۲۵